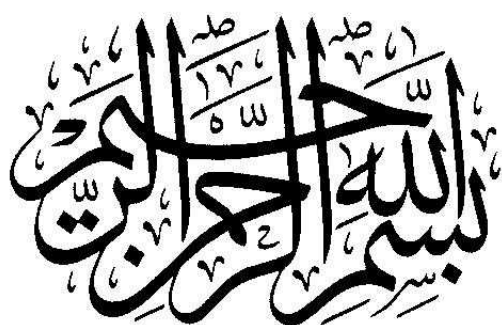




رفیق عشق

(رمزهای بازنشستگی)

عبدالرحیم سوارنژاد

انتشارات معتبر

۱۳۹۹

سرشناسه	سوارزاد، عبدالرحیم، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور	رفیق عشق (زمره‌های بازنشتگی) / عبدالرحیم سوارزاد.
مشخصات نشر	اهواز: مؤسسه فرهنگی هنری آداب، انتشارات معتبر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۴۶ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴؛ م.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۱۲۸-۹: ۲۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	سوارزاد، عبدالرحیم، ۱۳۳۸- -- یادداشت‌ها، طرح‌ها، و غیره
موضوع	سوارزاد، عبدالرحیم، ۱۳۳۸- -- خاطرات
موضوع	داستان‌های یادداشت‌گونه
موضوع	Diary fiction
ایندی کد	PIR ۸۳۴۸
رده‌بندی دیویی	۸۱۸/۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۶۱۶۷۵۸۵

اهواز: چهارراه نادری، اول خیابان شهید سراج شماره ۳۲

تلفن: ۰۶۱-۳۲۲۱۱۳۶۸ و ۰۶۱-۳۲۲۲۵۴۹۶

پست الکترونیکی: moatabar.alavi@gmail.com

عنوان کتاب: رفیق عشق (زمره‌های بازنشتگی)

نویسنده: عبدالرحیم سوارزاد

طرح جلد: معصومه خدایاری

ویراستار: مصطفی سوارزاد

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۹-۱۲۸-۹

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب؛

۱۰	حرف محبت
۲۰	منار کی است
۲۲	انسان‌های برگ
۲۶	یلدا شب زندگی است
۲۹	روز پدر
۳۱	مبعث کنار حرا
۳۴	سبد خالی بازنشستگان
۳۸	فیلم خواستگاری
۴۰	به بهانه تجلیل از بازنشستگان
۴۴	سرویس اداره
۴۶	جناب دکتر اسماعیل ایدنی، ما را دریاب
۵۰	با نگاهی دیگر
۵۲	دیگر به آژانس نمی‌روم
۵۷	عدل چیست؟
۵۹	آخرین درس

مسجد جامع، هویت شهر	۶۱
پدیده دردناک تملق	۶۷
بازنشسته و درد بزرگاله اخته	۷۳
بهانه	۷۶
نام ای به دکتر عزیزی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی	۸۰
غربت ازنشستگان و وظیفه کانون‌ها	۸۳
گرگ در عمر	۸۹
همچون پروا بر نوه	۹۲
روز دوست‌داشتنی شاه	۹۴
اینجا محله من است	۹۸
من برگ چنارم	۱۰۲
به مناسبت روز ۲۵ ذیحجه روز تکریم خانواده و بازنشستگان	۱۰۴
نور	۱۰۷
شرح هجران	۱۰۸
یک آرزو	۱۰۹
ترانه زندگی	۱۱۱
اعجاز جستجوگر اینترنت	۱۱۲
بر سفره کریمانه امام رضا	۱۱۶
تمثیلی برای زندگی	۱۲۰
سفر به روستای هفت شهیدان	۱۲۴
بخشش	۱۲۷
سیاست یک بام و دو هوا	۱۳۰

- ۱۳۴..... گل فروش
- ۱۳۵..... به یاد امور تربیتی
- ۱۳۹..... انتخابات فدراسیون های ورزشی
- ۱۴۱..... خسوف
- ۱۴۲..... همان بود که می خواستم
- ۱۴۴..... سعت نگاه
- ۱۴۶..... منابع:

حرف نخست

بازنشستگی یک جریان سیال است که در بستر جامعه مانند رود جاریست. برای آن موجب طراوت و شادابی اجتماعی می‌گردد و بالعکس برای آن می‌شود و رکود را رقم می‌زند و راه بر پیشرفت می‌بندد برای بازنشستگی. کیف جامعه‌ی پیدا نشده است و در قانون استخدام کشوری آمده، حتی است که مستخدم از خدمت دولت خارج می‌شود و حقوق بازنشستگی دریافت می‌کند!! دولت هیچ شأنی به جز خدمت به مردم ندارد و خدمت به مردم یک وظیفه انسانی است و در همه حال انجام می‌گیرد و بالاترین عبادت شمرده می‌شود لذا دولت‌ها برای خدمت به مردم انتخاب می‌کنند و خدمت در دولت برای سرعت بخشیدن به خدمات‌دهی و انجام بهتر تکالیف نسبت به مردم است و هیچکس در خدمت دولت قرار نمی‌گیرد بلکه یک ارتباط متقابلی دارند که بر اساس شیوه‌نامه‌های مدون قانونی انجام می‌دهند پس چنین تعریفی پذیرفته نیست باید گفت بازنشستگی فصل جدیدی از زندگی کارکنان دولت است که به دلیل شرایط سنی و ضعف جسمی در آن قرار می‌گیرند و از درون ساختار سازمانی کنار

می‌روند. در این فصل جدید زندگی، اختیارات و شرح وظایف از سوی فرد تنظیم می‌گردد و در تعیین وظیفه تابع مقررات و قوانین اداری نمی‌باشند و متناسب با توانایی و سلیقه فکری عمل خواهد شد، در این فصل بیش از هر امری باید به نگارش خاطرات به عنوان تجربه پرداخت یعنی با قلم رفاقت نمود که تغییر رفتار و رویکردها نسبت به تمرکز بازنشسته از طریق نوشتن انجام می‌گیرد! از جمله الگوهای بارز بازنشستگی در این مورد ابوالفضل بیهقی است که می‌تواند اهمیت نگارش در بازنشستگی بازنشستگان آشکار سازد شهرت بیهقی به خاطر نگارش کتاب معروف «تاریخ بیهقی» که مهم‌ترین منبع تاریخی در مورد دوران غزنوی است می‌اشد، او پس از تحصیل در نیشابور سلسله مراتب دیوانی را با سرعت طی نمود ابتدا با سمت دبیری وارد دیوان محمود غزنوی گردید و سپس به سمت دبیر دیوان شاهی برگزیده شد و در زمان عبدالرشید غزنوی، هفتمین مرغزنوی، به بالاترین مقام در دیوان، یعنی صاحب دیوان رسالت یعنی نظار با معاونت مدیریت پشتیبانی و اجرایی کنونی رسید، سرعت در طی کردن مراتب دیوانی و انتصاب در بالاترین مقام دربار موجب حسادت اطرافیان گردید و با سعایت و سخن‌چینی ذهن امیر را نسبت به وی بدگمان گردانید و امیر وی را از کار برکنار کرد.

او پس از برکناری به زندان افتاد با آزادی از زندان شروع به نوشتن کتاب نمود. بیهقی در سن چهل و سه سالگی نوشتن را آغاز کرد و

بیست و دو سال از عمر خود را بر سر نوشتن سی جلد کتاب تاریخ نهاد و نوزده سال پس از اتمام کتابت زنده بوده و هرگاه به اطلاعات تازه‌ای در این زمینه دست می‌یافت آن را به متن کتاب می‌افزود و در هشتاد و پنج سالگی از دنیا رفت و امروزه موثق‌ترین منبع دوران غزنی کتاب تاریخ بیهقی است که از ذهن یک بازنشته تراوش نمود است. اگر تاریخ را بیشتر ورق بزنیم نام‌های بزرگی را خواهیم یافت که در فصول بازنشتگی رویش داشته‌اند و ماندگار شده‌اند، با توجه به شرایطی که بر وجود آمده است و به دلیل تأثیر سیاست بر همه پدیده‌های اجتماعی، طرح شعاری به نام جوان‌گرایی هر روز به انزوای این قشر می‌افزاید. بدور اینکه به پتانسیل و انرژی جوانان توجهی گردد یا در روند ارتقاء نیروی انسانی دولتی تغییر ایجاد گردد، در کشورهای دیگر در جستجوی راهکاری برای چگونگی بکارگیری بازنشتگان می‌باشند ولی در کشور ما، مجلس قانون عدم بکارگیری بازنشتگان را تصویب می‌کند تا مدت‌ها از بشتوانه تجربی خالی شوند و سیستم در برقراری ارتباط با گذشته حویث و چالش‌ها را در صورتی که قانون شرایط بازنشتگی را مشخص کرده بود و نیاز سیستم به تخصص و تجربه را مدیران تشخیص می‌دهد و بر اساس نیاز اقدام می‌کردند تا هزینه‌ای بر سازمان زیر مجموعه تحمیل نشود، تهدید مدیرانی که از بازنشتگان در گشودن گره‌های اداری دعوت به کار نموده‌اند به انفصال و متخلف خواندن زینده نیست این

رسم پیشکسوت نوازی نبود باید رابطه شاگرد و استاد ترمیم گردد و پیشکسوتان را در همه عرصه ارج بگذاریم، بازنشسته‌ها پیشکسوتان عرصه‌های مختلف هستند و متأسفانه در قانون به پیشکسوت پرداخته نمی‌شود و با روالی غیر انعطاف به شرح شیوه‌های اجرایی در بندها و تبصره‌های قانون بدون کارکرد عناصر پرداخته می‌شود، این تصمیمات کرامت و عزت پیشکسوتان منافات دارد، هر قشری جایگاه خود را دارد و باید در همان جایگاه تعریف شود، نوجوان، جوان، مسن، سالمند، پیر هر کدام را باید متناسب با ارزش‌ها و کارآیی‌هایش مورد تحلیل قرار داد، می‌توان برای قشری تکلیف خاص نوشت بلکه باید شرایطی فراهم کرد تا هر کس به اندازه بضاعتش به تکالیفش عمل کند و خدمت رسانی نماید!!

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

در هر صورت بازنشسته‌ها باید بدانند برای حفظ کسب و جاری بودن در جامعه هیچ راهی جز نوشتن نمی‌ماند، هر راهی که بسته می‌شود جز راهی که قلم طی خواهد کرد و هیچ ابزاری قدرتمندتر از قلم مسیرها را نخواهد گشود، در کتاب «واهمه‌های بی‌نام و نشان» نوشته علام‌الحسین ساعدی یکی از بخش‌هایش با عنوان «آرامش در حضور دیگران» که ناصر تقوایی در سال ۱۳۴۹ فیلمی را بر این اساس و با همین نام ساخت، داستان یک سرهنگ بازنشسته است که در این کتاب و فیلم

ناصر تقوایی بسیار هنرمندانه به موضوع نوشتن در بازنشستگی می‌پردازند!

«سرهنگ با چشمانی گریان مشغول نوشتن نامه است. برای افراد خانواده موضوع نوشتن غریب است. آن‌ها با ناباوری از پشت پنجره به پدرشان نگاه می‌کنند.

ملیحه: نامه؟ کسی رو نداره که نامه بنویسه.

مه‌لقا: خدای دونه چه خبره و چی می‌نویسه.

ملیحه از میز می‌پرسد: تو می‌دونی بابا چشه؟

منیژه: من چه می‌دانم، شاید اتفاقی افتاده.

سرهنگ با تأثر جامه‌دانش را باز می‌کند و به لباس ارتشی خود و درجه و پاگون‌های آن نگاه می‌کند.

پس باید بنویسیم که بازنشستگی دره طلایی زندگی است، سال‌هایی است که می‌توانیم در آن از دانش، تجربه، مهارت‌هایی که به دست آورده‌ایم در بهبود زندگی خویش و دیگران در محیط آرام و کم‌دغدغه بهره‌مند شویم.

دانش‌های شفاهی حاصل شده در مدت‌های طولانی و دانش مکتوب تبدیل می‌کنیم و این فرصت را برای نسل‌های بعد فراهم می‌کنیم که از تجارب ما بهره‌گیرند و برنامه‌های خود را در آینده عملکرد ما روشن‌تر تماشا کنند و تحلیل نمایند.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ اقْرَأْ

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ: بخوان به نام پروردگارت. آن که انسان را از خون بسته بیافرید. بخوان و بدان که پروردگارت بزرگوارتر از هر کسی است. پروردگارت که با قلم به مردم چیزها را تعلیم داده است. به مردم چیزهایی آموخته است که نمی‌دانسته‌اند.

قلم سمبل و نماد آگاهی و تفکر است! از درون قلم اندیشه متولد می‌شود. هر نگاهی که با قلم نگاشته می‌شود بقا و قوام همراه با تکامل اندیشه را ضمن می‌کند.

ن وَالْقَلَمِ وَمَا تَسْمُرُونَ: قلم، نقطه اتصال گذشته و آینده است و انسان‌هایی که در همه اعصار بر روی زمین زندگی کردند را در هم پیوند می‌زند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند! این قدرت ارتباط از تبار ارزشمند تاریخی در راستای تحول، با وساطت قلم شکل می‌گیرد. عالمان و مورخان اعتقاد دارند زندگی بشر روی کره خاکی به دو دوره تقسیم می‌شود:

«دوران تاریخ»

«دوران قبل از تاریخ».

دوران تاریخ بشر از زمانی آغاز می‌شود که خط اختراع شد و انسان

۱- سوره علق آیه ۱ تا ۵

۲- سوره قلم آیه ۱

توانست قلم در دست بگیرد و ماجرای زندگی خود را بر صفحات به نگارد و ثبت کند، و از او «ما یسطرون» خلق گردد و خواندن آغاز گردید و صداها از مفهوم برخوردار شدند. از عبادة بن صامت روایت نموده است که گفت: من از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم شنیدم که می گفت: **إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ الْقَلَمَ، فَقَالَ لَهُ: اكْتُبْ! فَبَرِي بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى الْآبِدِ.** اولین چیزی را که خداوند آفرید قلم بوده است. پس به او گفت: بنویس! بنابراین، قلم به تمام مقدرات و آنچه تا ابد به وجود می پیوندد به جریان افتاد.

اگر قلم نبود تاریخ هم نبود، الگوها و نمادها در جامعه جاری نبودند و روابط انسانی مبنای استراری نداشتند، نوشتن بزرگترین موهبت الهی است، گنجینه‌ای ارزشمند است که باید از آن با علم و اندیشه حفاظت کرد.

نویسنده همانند جنگجویی می ماند که در میدان رزم حضور یافته است باید قواعد رزم را بداند تا در نبرد فکری به شکستی قلم مبتلا نگردد، قلم یادگاری از نام‌آوران بزرگی است که تاریخ را زنده اند و مونس تنهایی بسیاری از مفاخر بوده است و راز داران سلسله‌هایی که تعلق به این زمین دارند، مرکب قلم گنجینه مباحثات یک ملت، عظمت یک جغرافیا، هیئت یک اندیشه و سرچشمه مهربانی و انسانیت و امین کلمه‌ای است که خالق به او سپرده است.

«وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ».

دشوار می‌شود وقتی رنج‌ها را می‌بینیم و قلم را به جای انس با کاغذ در جیب قرار دهیم و دم فرو بندیم که کفران نعمت است، همه انقلابات و تحولات از درون قلم زاده شده‌اند و تاریخ مدیون اوست «اگر نبود هیچ تاریخی وجود نداشت و حرکتی خلق نمی‌شد! رسول الله (ص) فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَزَنَ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِمِدَاءِ السَّهَاءِ، فَيُرَدُّ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى مِدَاءِ الشُّهَدَاءِ»^۱.

«زمانی که روز قیامت می‌شود، وزن و مقدار مداد علما با خون‌های شهیدان سنجش و اندازه‌گیری می‌شود که کدام‌یک از این‌ها سنگین‌ترند؟ آن وقت سر عالم بن‌ها بر خون همه شهدا ترجیح پیدا می‌کند و سنگین‌تر است.»

در بی‌حرکتی محض وقتی قلم به جنبش آمد همه به تأسی از وی به جنبش در خواهند آمد و زیبایی خلق کلمات به سطور اوراق دفتر آشکار می‌شود که هیچ زیبایی به جز با قلم قابل وصف نیست.

حافظ سخن بگوی که بر صفحه جهان

این نقش ماند از قامت یاد کار عمر

خط یادگار انسان‌هاست و با این یادگاری مورد ارزیابی تاریخ قرار می‌گیرند.

^۱ - بقره/ ۲۸۲

^۲ - الأملی، شیخ طوسی، ص ۵۲۱